

دوستان دعوت کننده و امضا کنندگان «فراخوان بین المللی دفاع از حقوق کارگران ایران»

با سلام های خالصانه؛ در تاریخ ۱۲ فوریه ۲۰۰۳ در پی دعوت به حمایت از فراخوان ... به منظور همبستگی هر چه بیشتر کارگری ملاحظیات و پیشنهاداتم را جهت بازبینی این دعوت همراه با قدردانی از توجه به مسائل کارگری را برای شما ارسال کردم. من انتظار برخورد انتقادی به نوشته خویش را داشتم، اما نباید اجازه داد که بی پرنسیبی و استفاده از اخلاق و فرهنگ نازل جای نقد و جدل سیاسی را بگیرد.

اخیرا نوشته ای را در سایت «بنیاد کار» مشاهده کردم که بدون ذکر نام من ولی به نحوی خصمانه و بدور از اخلاق سالم سیاسی کارگری به مضمون ملاحظیات انتقادی ام در باره این متن پرداخته است. این نوشته که مدعی است چنین ملاحظیات ناشی از سنت «چپ رادیکال - پاسیفیست در خارج از کشور» است و توسط دو نفر از امضاء گزاران و دست گردانندگان «بنیاد کار» تهیه شده، فضای سالم سیاسی، که برای دامن زدن به یک مباحثه جدی و پرثمر بین فعالین و علاقمندان به جنبش کارگری ایران لازم است، را کاملا مشوش و آلوده کرده است. لذا، من در این فضا و تا زمانی که متانت سیاسی و سلامت اخلاقی برقرار نشده از پاسخگویی به مضمون نوشته آقایان مجید تمجیدی و منصور سلطانی پرهیز می کنم. اما در این جا صرفا به برشمردن برخی از قلمروهای بحث لازم آینده بسنده می کنم:

۱- از نظر من مسئله مورد مجادله بر سر میزان دفاع یا عدم دفاع از مطالبات جنبش کارگری در ایران نیست. بلکه بر سر مضمون، استراتژی و تاکتیک های آن میباشد. در این رابطه فی المثل پرسیدنی است:

الف: آیا قوانین جمهوری اسلامی، منجمله قانون کار کذایی آن، طی این بیست سال بطور واقعی هیچوقت باعث بهبودی در وضعیت رفاهی و معیشتی کارگران شده است؟

ب: آیا در شرایط کنونی، اعمال فشار از طریق نهادی مانند سازمان جهانی کار، برای ابقاء این یا آن تبصره یا ماده قانون کار، به تغییرات واقعی در موقعیت کارگران در ایران منجر خواهد شد یا صرفا به افزایش توهم آنها نسبت به این رژیم ضد کارگری منجر خواهد گردید؟

ج: آیا اتخاذ تاکتیک فوق در جنبش کارگری برای کسانی که منافع آنی و آتی طبقاتی کارگران را در ایران دنبال می کنند، روشی مناسب در این شرایط است؟

۲- بر خلاف آنچه، مثلا، دو نویسنده نوشته فوق مدعی هستند، مجادله بر سر متن فراخوان امضا شده توسط شما، مجادله ای بین فعالین کارگری و گرایش «چپ رادیکال-پاسیفیست» خارج کشور نیست. بلکه جلوه ای است از مجادله ای که در جنبش کارگری ایران و جهان حداقل طی ۷۰ سال گذشته به اشکال مختلف جریان داشته است. این مجادله ای است که اساسا بین گرایش صرفا امکان گرا از یک طرف، و مدافعان اهداف مبارزات مطالباتی آنی و آتی طبقاتی جنبش کارگری از طرف دیگر در جریان بوده است. این مجادله ای است در جنبش کارگری بین آنان که به علت پراگماتیسم مفرط و امکان گرایی شان کارگران را به دنبال روی حرکات و جنبش های طبقات دیگر تبدیل کرده و می کنند، و کسانی که تحکیم، استقلال و شفافیت مبارزاتی کارگران، و به این طریق متاثر کردن مبارزات جنبش های طبقات دیگر از خواست و افق جنبش کارگری را، دنبال می کنند؛ و در مبارزات جاری همواره منافع آنی و عمومی کارگران را در نظر می گیرند. وضعیت فوق العاده ضعیف جنبش کارگری در ایران و جهان و بیکاری و فقر و بی حقوقی مفرطی که در ۲۰ سال گذشته به کارگران جهان و ایران تحمیل شده تا آنجا که به کارگران برمی گردد عمدتا حاصل و نتیجه استیلا و کارکرد گرایش امکان گرا در طبقه کارگر بوده است.

طی دهه ۲۰ شمسی گرایش امکان گرا خود را در شکل جریان «رضا روستا»، که عملا کارگران را به دنبال روی از سیاست های دوگانه قوام و جنبش لیبرال ناسیونالیستی مصدق تبدیل میکرد، متبلور گشت. طی دهه ۵۰ و ۶۰ شمسی سردمداران و طرفداران این گرایش عده زیادی از کارگران را به دنباله روان جنبش ارتجاعی، اسلامی و ناسیونالیستی ضد

آمریکایی خمینی تبدیل کردند. طی دهه اخیر این گرایش خود را در شکل گیری جریان دنباله رو جنبش اسلامی قانونگرایی دوم خرداد نشان داده است. امروز هم به دنبال ساختن انجمنهای صنفی، از نوع انجمن صنفی خبرنگاران و یا انجمن صنفی رانندگان وسایل نقلیه سنگین، که مورد تأیید و حمایت دولت و سازمان جهانی کار هم هستند، در رشته های مختلف است. نویسندگان نوشته فوق با تقلیل مسئله به یک دعوای ظاهرا «خارج کشوری» فقط نشان داده اند که از تاریخ و تجارب تلخ جنبش کارگری ایران و جهان و مسائل اساسی آن، که فی الحال در مقابل کل کارگران قرار دارد، چندان اطلاعی ندارند و یا این تاریخ و تجارب را به هیچ می گیرند.

۳- عواقب بسیار وخیم و فلاکت باری که این حرکات امکان گرا در هر دوره تاریخی به کارگران ایران تحمیل کرده اند در هر مرحله جنبش کارگری را برای چندین دهه از ابراز وجود فعال و قدرتمند در جامعه محروم کرده است. امروزه ضروری است که از تکرار فاجعه بار چنین اشتباهاتی اجتناب کنیم.

۴- جای تاسف است که کسانی که خود را برای دوره ای از مبارزین رادیکال و انقلابی جنبش کارگری قلمداد می کردند، اینک با چنین خصومت و حس انتقام جویی علیه مدافعین اهداف و آرمانهای طبقاتی و مبارزاتی کارگری حرف می زنند، عقاید آنان را به سخره می گیرند و انتقادات آنها را تا سطح «خالی کردن عقده های شخصی» تنزل می دهند. متأسفانه در این دوران فترت، این بلایی است که بر سر بخشی از مدافعان سابق چپ در جنبش کارگری ایران رخ آمده و نشانگر انحطاط سیاسی و به طریقی اولی سقوط اخلاقی آنان است. یکی از وظایف جنبش کارگری ایران امروزه کمک به تغییر این وضعیت و مستقر ساختن چشم انداز سیاست، روش های فعالیت و سازمانیابی، اعتماد به نفس و اخلاق سالم طبقاتی و کارگری است.

۵- من امیدوار بودم که آنطور که در یک فضای سیاسی سالم مبارزات کارگری باید رسم باشد، نظرات کسی که مورد انتقاد است در کنار انتقادات او در معرض ملاحظه عام قرار گیرد. متأسفانه « بنیاد کار» متن نوشته من در پاسخ به فراخوان را منتشر نکرده (۱) و صرفاً به درج چنین انتقادات خصمانه ای بر علیه آن اقدام کرده است. این رفتار به ایجاد یک فضای سالم برای مبادله افکار بین فعالین و علاقمندان به جنبش کارگری ایران به هیچ وجه کمک نخواهد کرد. بار دیگر تأکید می کنم که انتظار و امید من این بود که ملاحظاتی که با حس مسئولیت و صمیمیت کامل مطرح کرده بودم به یک مباحثه سالم و سودمند برای جنبش کارگری ایران تبدیل شود. متأسفانه در خارج از ایران تاکنون چنین نشده است. امیدوارم که از این پس، بتوانیم ابرهای مه آلودی که بر فضای یک تبادل نظر سالم و شفاف سایه می افکنند را بکنار زنیم و در فضایی متفاوت با آنچه که امروز بر جنبش طبقاتی کارگری مسلط است تلاش برای راهیابی کارساز را پیگیرانه دنبال کنم. من به سهم خود مایلم در حد توان، تجربه و آموخته هایم فعالانه به این امر بپردازم.

با سپاس همبستگی کارگری

محمد شمس (۱۵ مارس ۲۰۰۳)

آری : ما که میخواستیم دنیای نامهربانان را

به دنیای مهربانان بدل کنیم

خود، نتوانستیم با هم مهربان باشیم

شمایان، که بعداز ما متولد میشوید و

پا به دنیا میگذارید، شما با هم مهربان

«برتولت برشت»

(۱) این شیوه کار که متأسفانه مسلط بر کارکرد مسئولین اصلی «بنیاد کار» است. تا کنون چند سند، از جمله انتقادات من به نحوه کارکرد مسئولین بنیاد کار، استعفایم از شورای هماهنگی آن و بالاخره کناره گیری ام از بنیاد کار را علیرغم خواست چند باره من منتشر نکرده اند. ادامه این روش مرا در محظور انتشار علنی این اسناد به اشکال دیگر قرار داده است.

